

بررسی کاربرد اصطلاح ریح در کتاب قانون ابن سینا

کامران محلوچی الف، مهرداد کریمی الف*

الف گروه تاریخ پزشکی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

چکیده

باد و ریح در متون مختلف طب معانی گوناگونی دارد. علیرغم اینکه باد هم یکی از عوامل بیماری‌زا و هم یکی از ابزار طبیعت برای ایجاد افعال در مجاری طبیعی بدن است، تحقیق جامعی درباره جایگاه و مفهوم این اصطلاح در بستر آثار پزشکان طب ایرانی صورت نگرفته است. بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر بررسی کاربرد اصطلاح ریح و مشتقات آن برحسب تعداد تواتر و نحوه کاربرد آن در اثر *القانون فی الطب* ابن سینا است.

تاریخ دریافت: آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: اسفند ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها: باد، تاریخ پزشکی، ماساژ

مقدمه

ریح از ریشه «روح»، در زبان عربی کلمه‌ای است که بر گستردگی، گشادگی، روانی، رواج و از پی هم آمدن چیزی دلالت دارد و در معانی گوناگونی نیز به کار رفته است، اما مشهورترین معنای آن همان است که امروزه با نام باد و نسیم شناخته می‌شود (۱). این اصطلاح در متون طب نیز کاربرد فراوان و معانی گوناگون دارد. در ادبیات طب ایرانی، ریح به معانی هوا، بوی خوش، بادهای وزنده در جهان، ریاح موجود در زیر زمین، بادهای موجود در بدن و مانند آن به کار رفته است. هریک از این ریاح ویژگی‌ها و خواصی دارند و گاه بیماری‌زا یا محرک برخی بیماری‌ها و گاه یکی از اسباب مادی مهم برای پیدایش برخی افعال بدنی محسوب می‌شوند؛ برای نمونه، در متون طب متقدم، سخن از بادهای وزنده‌ای است که موجب پیدایش برخی بیماری‌ها مانند فالج و دردهای کبد می‌شوند. دمشقی در *رساله هارونیه* آورده است: «سردمزاجان .. پیش از رفتن به حمام با روغن یاسمین و یا روغن خیری بدن خود را تدهین نمایند تا حرارت آب حمام به باطن بدن آنان برسد و از ناپاکی آن را بشوید و برای آنان انجام حرکات خسته‌کننده بعد از خروج از حمام و راه رفتن در باد به‌ویژه اگر باد دبور باشد شایسته نیست، زیرا باد دبور سبب تحریک فالج

و بدحالی می‌شود. و سبب درد کبد از سردی و راه رفتن در باد شدید است»^۱ (۲). این متون به ما نشان می‌دهند که در اندیشه حکمای آن دوره، باد در تغییر وضعیت بدن انسان تأثیرگذار بوده است (۳).

این انگاره در ایران باستان واجد هویت‌های (Persona) قابل تمییزی است که عملکرد خاص خود را دارد. در آن زمان «هر دردی را با نام باد ویژه‌ای می‌خواندند که عبارت بود از: سردباد، سفیدباد، ماشوله‌باد، زشت‌باد، سیاه‌باد، ... و بالاخره هفتادباد و رنگ‌باد و...» (۴). اسطوره «وای» در ایران باستان نیز به خواص بیماری‌زایی باد اشاره دارد. توضیح این‌که جاندارپنداری باد مختص ایرانیان باستان نبوده و در میان اقوام دیگر نیز این باور دیده می‌شود. در کتاب *شاخه زرین* آمده است: «بر تپه‌ای در بوما نزدیک دهانه رود گنگو، نام ولوومو، فرمانروای باد و باران، سکونت دارد» (۵).

در دوران طلایی یونان این انگاره به شکل دیگری ظهور می‌کند. در کتاب *آثار علوی ارسطو*، باد که «پنوما» نامیده شده عنصری مادی است که قابل رؤیت نیست. بعدها نیز در اندیشه جالینوس شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد و حتی منشأ روح نیز هوا و باد معرفی شده است. در دوره تمدن اسلامی و بعد از ترجمه این مفاهیم به عربی و بازتعریف متون یونانی، ساز و

کار باد کاملاً دگرگون می‌شود. تحول ایده باد در دوره تمدن اسلامی به قدری قابل تأمل است که ژرارد وربک (G érard Verbeke) در کتاب *تکامل دکتربین باد (پنوما)* به سیر تحول پنوما و تبدیل آن در طول حدود هزار سال به نفس متعالی ابن‌سینا و اندیشه‌های آکوئیناس می‌پردازد (۶).

باین حال و علی‌رغم این‌که مفهوم مندرج در پس اصطلاح ریح نزد متفکران مختلف تا این اندازه تفاوت دارد، در هیچ‌یک از دایره‌المعارف‌های مطرح تاریخ پزشکی مانند تاریخ پزشکی: داروسازی، دند/نپزشکی و دامپزشکی با ویراستاری ژاک پوله، ژان شارل، و مارسل مارتینی، مدخلی به باد اختصاص داده نشده است (۷). همچنین در دوره ده‌جلدی تاریخ مصور پزشکی جهان تألیف ولی‌الله محرابی که شباهت فراوانی با کار پوله دارد، نیز هیچ مدخلی از باد وجود ندارد. تحقیقات کیفی رایج درباره انگاره باد در حوزه پزشکی نیز نتوانسته بهبودی در این وضعیت به وجود آورد. به نظر می‌رسد پایان‌نامه ریح که در دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران توسط لطیفی انجام شده است (۸)، یکی از نخستین گام‌ها برای شناخت ریح در حوزه طب سنتی باشد.

اهمیت پژوهش درباره باد از این‌روست که تبیین موضوع ریح می‌تواند در شناخت کارکرد بدن از منظر طب سنتی و درمان‌های مرتبط با آن مانند اعمال یدای کاربردهای فراوانی داشته باشد. مهم‌ترین مشکل در این حوزه نیز این است که این واژه در طب ایرانی، اصطلاحی است با کاربردها و مصادیقی چندگانه که دست‌یافتن به تعریف واحدی برای آن سخت به نظر می‌رسد؛ برای نمونه، حکیم اعظم‌خان ملقب به ناظم جهان، از دو نوع صداع (سردرد) به نام‌های صداع ریخی و صداع بخاری یاد می‌کند که نشان می‌دهد او میان ریح و بخار تفاوت قائل است. همچنین، او این ریاح و بخارات را به دو نوع داخلی و خارجی تقسیم کرده و برای ریح به دو کیفیت حار و بارد و برای بخارات به سه نوع حار، بارد و دخانی اشاره کرده است (۹). در عوض، در برخی کتاب‌های دیگر مانند طب اکبری، صداع ریخی عنوان عامی است که شامل سردردهای ناشی از ریح و بخار می‌شود و تفکیک حکیم

اعظم‌خان در آنها دیده نمی‌شود (۱۰، ۱۱). بنابراین برای انجام این پژوهش لازم است این اصطلاح در تک‌تک کتاب‌های طبی به استقلال بررسی شود و سپس داده‌ها با یکدیگر مقایسه شده و تعریفی روشن از این اصطلاح یا دست‌کم سیر تطور تاریخی معنای آن در متون طب ایرانی ارائه گردد. تنها در این صورت است که تمثیل توصیف‌کننده باد در تمدن اسلامی و حتی فرهنگ‌های مختلف وضوح کافی خواهد یافت.

این پژوهش با چنین رویکردی به بررسی کاربرد اصطلاح ریح در کتاب *القانون فی الطب* ابن‌سینا پرداخته و کوشش کرده کاربرد و جایگاه این اصطلاح را در کتاب نامبرده تبیین کند.

معرفی ابن‌سینا و کتاب قانون در طب

ابوعلی حسین‌بن‌عبدالله‌بن‌سینا (۳۷۰ تا ۴۲۸ ه‍.ق/۹۸۰ تا ۱۰۳۷ م)، از دانشمندان بزرگ سرزمین ایران، در روستایی حوالی بخارا چشم به جهان گشود. او کتاب *القانون فی الطب* را که در زمینه‌های مختلف پزشکی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به زبان عربی و در پنج بخش (مبانی و کلیات طب؛ داروهای مفرد؛ بیماری‌های جزئی که در هریک از اندام بدن از سر تا قدم رخ می‌دهد؛ بیماری‌های عمومی که به عضوی خاص اختصاص ندارد و داروهای ترکیبی) تألیف کرده است. درباره ملیت این اندیشمند تاکنون ادعاهای متفاوتی طرح شده است؛ همچون ادعای عجیبی که مازاچیوگلو (Mazicioglu) در سال ۲۰۱۵ مبنی بر ترکیه‌ای‌بودن ابن‌سینا طرح کرد (۱۲) که محققان ایرانی آن را رد و ایرانی‌بودن ابن‌سینا را اثبات کردند (۱۳). کتاب *القانون فی الطب* مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب ابن‌سینا در دانش طب و از اُمّهات کتاب‌های طبی در تمدن ایران پس از اسلام و از جمله مهم‌ترین آثار پزشکی دنیای قدیم است.

مواد و روش‌ها

این یک تحقیق کتابخانه‌ای است که درباره موضوع ریح انجام شده و برای انجام آن به کتابخانه‌های ملی، دانشگاه تهران، دانشکده طب سنتی، کتابخانه دکتر اصفهانی، کتابخانه تخصصی اخلاق پزشکی دانشگاه تهران، کتابخانه شخصی استاد اسماعیل ناظم و نسخه دوم نرم‌افزار طب نور مراجعه شد. سپس با مراجعه به کتاب *قانون ابن‌سینا (القانون فی الطب)*

چاپ بیروت ۱۴۲۶) و با استفاده از واژگان کلیدی مرتبط با ریح، داده‌های لازم از این کتاب استخراج و به‌حسب موضوع مرتب شد و در مرحله بعد، با توجه به مبانی نظری صاحب اثر و ظهور عبارات متن کتاب، این داده‌ها بررسی و با یکدیگر مقایسه شدند.

در ادامه پژوهش برای دریافت بهتر معنی و حدود و ثغور اصطلاح ریح، پرسش‌هایی براساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده طرح شد. در این روند براساس روش‌شناسی مطالعه به روش کیفی (Qualitative research) و با استفاده از تجربیات صاحب‌نظران و استادان به بررسی اطلاعات و تحلیل محتوا (Content analysis) پرداخته شد تا تحلیلی نظام‌مند از متن انجام شود. برای این منظور نیز از روش استاندارد تحلیل داده کلایزی (Colaizzi) بهره برده شد. برای سنجش پایایی و اعتبار پژوهش نیز از روش کسب اطلاعات دقیق موازی (Peer

debriefing) استفاده شد تا ضمن تلاش برای تبیین جایگاه یک اصطلاح، مقدمات ارائه تعریف تاریخیچه اصطلاح نیز فراهم شود؛ زیرا فقط در صورت استخراج این مفاهیم است که امکان کارهای گسترده‌تر در زمینه بررسی ایده و تاریخیچه ایده نیز فراهم خواهد آمد.

یافته‌ها

کلمه ریح و مشتقات آن در کتاب قانون

براساس مدل کلایزی، برای بررسی اصطلاح ریح در متن قانون، باید متونی که شامل اصطلاح ریح و مشتقات آن بودند استخراج و مرتب می‌شد که نتیجه این بررسی در جدول ۱ آمده است. در ستون نخست جدول، واژه موردنظر برحسب حروف الفبا قرار داده شده است. در ستون دوم و سوم، موضع ریح و موضوعی که ریح به آن مرتبط است، آمده و در ستون چهارم نشانی عبارت در کتاب قانون ذکر شده است (جدول ۱).

جدول ۱. جملات مهم استخراج‌شده شامل اصطلاحات ریح و ریح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
اریاح = بو	آسمان	اریاح عفن: بوهای گند و بد	۱۱۸/۱: الفصل الخامس الهواء الجید
ریاح	اشیا= دارو	نقوع حب الصنوبر در آب گرم ریح آن را می‌شکند.	۵۳۳/۱: حب الصنوبر
ریاح	آسمان	آب باران به‌دست‌آمده از ابرهای همراه با ریح عاصفه	۱۳۴/۱: الفصل السادس عشر فی أحوال المياه
ریاح	بدن	احتقان ریح در فضای رحم یا در خلل لیف رحم یا در زوایای آن از اسباب نفخه رحم و ریح رحم است.	۹۴/۳: فصل فی النفخة فی الرحم و معرفتها
ریاح	بدن	احساس تمدد در معده و پهلوها و زیر شراسیف نشانه وجود ریح است.	۹۶/۳: فصل فی دلائل آفات المعده غیر المزاجیه
ریاح	بدن	اختلاجات نشانه تګون ریح و تحرک آنها برای تحلیل‌رفتن و کم‌شدن است.	۱۶۳/۱: الفصل التاسع العلامات الداله علی الریاح
ریاح	بدن	اختلاف حرکات ریاحی که در معده پدید می‌آیند.	۱۰۷/۳: فصل فی الأمور التي فی استعمالها ضرر بالمعده و الأمعاء
ریاح	بدن	اختلاط حاده سبب تهیج ایخره می‌شوند، نه تهیج ریح	۲۲۹/۲: فصل فی کیفیه عروض الصداغ من المواد
ریاح	بدن	ادویه‌ای که سبب حبس اختلاط و ریح در نواحی دماغ می‌شوند.	۳۹۸/۲: فصل فی الدوی و الطنین و الصغیر
ریاح	بدن	اذخر محلل ریح است.	۳۲۴/۱: إذخر و فقاچه
ریاح	بدن	از اسباب نفث الدم ریح موجود در خود عروق است.	۱۰/۳: فصل فی نفث الدم
ریاح	بدن	ازدیاد تهیج ریح به‌واسطه استفاده از برخی حقنه‌های حار	۱۴۴/۳: المعالجات
ریاح	بدن	استطلاق بطن به‌سبب ریح	۲۵۹/۳: فصل فی كلام فی استطلاق البطن

ادامه جدول ۱. جملات مهم استخراج شده شامل اصطلاحات ریح و ریح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ریاح	بدن	استعمال بزور محلل ریح در استسقای طبلی	۲۲۸/۳: فصل فی علاج الاستسقاء الطبلی
ریاح	بدن	استعمال محللات ریح در استسقای طبلی	۲۲۸/۳: فصل فی علاج الاستسقاء الطبلی
ریاح	بدن	خوردن شلجم مولد سده و ریح است.	۱۴۱/۲: شلجم
ریاح	بدن	خولنجان محلل ریح است.	۱۷۴/۲: خولنجان
ریاح	بدن	خون بط ریح را می افزاید.	۳۷۱/۱: بط
ریاح	بدن	دارشیشان محلل ریح است.	۳۹۹/۱: دارشیشان
ریاح	بدن	داروی نافع در ریح معده	۵۵۴/۴: المقاله الثانيه عشره فی ذکر المعاجین و الجوارشانات
ریاح	بدن	دارویی نافع برای ریح بارد غلیظ عارض بر عصب	۵۳۸/۴: المقاله العاشره فی الأدهان
ریاح	بدن	دارویی نافع برای ریح بطن که همراه حمی باشند.	۱۴۵/۳: فصل فی القراقر
ریاح	بدن	دارویی نافع برای ریح معده	۴۲۵/۴: المقاله الأولى فی التریاقات و المعاجین الکبار
ریاح	بدن	در اختلاج ناشی از غم و غضب، حرکت روح سبب تحلل مواد به ریح می شود.	۳۳۲/۲: فصل فی الاختلاج
ریاح	بدن	در قولنج ریخی ریح ساکنی هستند که نه قراقر ایجاد می کنند و نه خارج می شوند.	۳۰۴/۳: فصل فی علامات الریخی
ریاح	بدن	درباره ریح رحم	۴۹۵/۳: فصل فی ریح الرحم
ریاح	بدن	درباره ریح الأفرسه	۵۰۱/۳: فصل فی الحديه و ریح الأفرسه
ریح	بدن	تحلیل بردن ریح	۲۰۷/۴: فصل فی تدبیر کلی فی جراحات الأحشاء
ریح	بدن	تحلل ریح و اندفاع خلط و ماده مؤذی برای درمان بیماری صرع	۲۹۲/۲: فصل فی الصرع
ریح	بدن	تحلیل بردن ریح	۲۰۷/۴: فصل فی تدبیر کلی فی جراحات الأحشاء
ریح	بدن	تدبیر ریح لازمه با حقنه در بیماری مغص	۲۹۶/۳: فصل فی المغص
ریح	بدن	تسهیل ریح از افعال برخی ادویه است.	۳۱۳/۱: الجملة الثانيه قسمناها إلى عدة ألواح و إلى بیان قاعده فی بیان الأدوية المفردة
ریح	بدن	تشنج به ندرت ناشی از ریح است.	۳۲۲/۲: فصل فی الکزاز و التمدد
ریح	بدن	تشنج مفرد عارض بر یک عضو به سبب ریح، بیماری سختی نیست.	۳۲۲/۲: فصل فی الکزاز و التمدد
ریح	بدن	تکمید، گاه وجع شدید ایجاد می کند. پس لازم است یا ترک تکمید یا تکرار آن تا ریخی را که ابتدا به هيجان آمده به تحلیل ببرد.	۳۰۶/۳: فصل فی قانون علاج القولنج
ریح	بدن	تمدد بدون ثقل نشانه ریح است.	۱۶۷/۳: تفصیل هذه الدلائل

ادامه جدول ۱. جملات مهم استخراج شده شامل اصطلاحات ریح و ریح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ریح	بدن	تمدد جرم قلب به سبب تمدید ریح با تمدید مار مورمه و...	۵۴/۳: فصل فی القوانين الکلیه فی علاج القلب
ریح	بدن	تمدد ناشی از ریح بادی در اعضا	۸۰/۱: الفصل الأول کلام فی العصب خاص
ریح	بدن	تمدد و تمزق در قولنج ناشی از ریح شدیدتر از قولنج بلغمی است.	۳۰۴/۳: فصل فی علامات الریحی
ریح	بدن	تمدد همراه ثقل نشانه ریح سده (ریح مسدود) است.	۱۶۷/۳: تفصیل هذه الدلائل:
ریح	بدن	تولد ریح در امعا	۲۰۷/۴: فصل فی تدبیر کلی فی جراحات الأحشاء
ریح	بدن	توهم انسان درباره وجود ورمی در یکی از اعضا که نیازمند شکافتن است و با شکافتن آن فقط ریح خارج می شود.	۱۹۲/۴: فصل فی الأورام الریحیه و نفخات العضل
ریح	بدن	ثبات و قوت ریحی که سبب کثرت انعاظ بدون شهوت است یا از برودت آن است یا از غفلتش.	۴۲۴/۳: فصل فی کثره الإنعاط لا بسبب الشهوه
ریح	بدن	جندیدستر محلل انواع صداع بارد و ریح است.	۳۸۴/۱: جندیدستر
ریح	بدن	جندیدستر و ازاله برد و ریح رحم و برودت خصیه	۳۸۴/۱: جندیدستر
ریح	بدن	جوهر طعام و تولد ریح و نفخه از آن	۱۴۴/۳: العلامات
ریح	بدن	حجامت قطن برای امراض غیر ریحی اقوی است.	۲۷۳/۱: الفصل الحادی و العشرون فی الحجامه
ریح	بدن	حدوث تفرق اتصال به سبب ریحی که تمدد ایجاد کرده	۳۹۴/۲: فصل فی وجع الأذن
ریح	بدن	حدوث خستگی بعد از ریاضت به سبب فضول محتبس در عضل یا ریح	۲۲۵/۱: الفصل الثانی عشر فی الإیاء الذی یتبع الریاضات
ریح	بدن	حدوث دوی و طنین به سبب ماده لزجی که تحلیل به ریح یافته	۳۹۸/۲: فصل فی الدوی و الطنین و الصغیر
ریح	بدن	حدوث وجع اذن در کودکان به سبب ریح و رطوبت	۲۰۳/۱: الفصل الثالث الأمراض آلتی تعرض للصبيان و علاجاتها
ریح	بدن	حرارت اگر معتدل باشد رطوبت غریبه غذا را تحلیل می برد و مستحیل به ریح نمی کند.	۱۴۳/۳: فصل فی النفخه
ریح	بدن	حرکت پوست با عضله در اختلاج به سبب ریح غلیظ نفاخ	۳۳۲/۲: فصل فی الاختلاج
ریح	بدن	حس شدن وجع طحال در پهلوی چپ به سبب استحکام ریح بین غشا و صفاق	۲۵۴/۳: فصل فی وجع الطحال
ریح	بدن	حمام برای فواق ناشی از احتباس ریح در معده، فم معده یا مری نافع است.	۱۶۰/۳: المعالجات
ریح = بو	اشیا = خانه	بیت طیب الریح: اتاق خوشبو	۴۸۴/۳: فصل فی الورم الحار فی الرحم
ریح = بو	اشیا = دارو	ادویه قابضه طیب الریح: خوشبو	۱۲۳/۳: المعالجات
ریح = بو	اشیا = دارو	ادویه قابضه طیب الریح: خوشبو	۲۷۷/۱: الفصل الخامس و العشرون فی معالجات الأورام
ریح = بو	اشیا = دارو	اشتداد ریح: بیشتر کردن بوی دارو	۵۳۸/۴: المقاله العاشره فی الأدهان
ریح = بو	اشیا = دارو	حلو الریح: شیرین بو	۵۳۸/۴: المقاله العاشره فی الأدهان
ریح = بو	اشیا = دارو	حلو الریح: بوی شیرین	۸۰/۲: عود الصلیب

ادامه جدول ۱. جملات مهم استخراج شده شامل اصطلاحات ریح و ریاح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ریح = بو	اشیا = دارو	درمان صداع بارد با استنشاق بوی طلای متخذ از روغن قنار الحمار و روغن حنا	۲۳۷/۲: فصل فی علاج الصداع البارد بغير ماده أو بماده بلغمیه أو سوداویه
ریح = بو	اشیا = دارو	زنجبیل بوی خوش دارد.	۴۲۰/۱: زنجبیل
ریح = بو	اشیا = دارو	سلیخه احمر خوشبو و خوش طعم است.	۵۹/۲: سلیخه
ریح = بو	اشیا = دارو	طلای طیب الریح: طلای خوشبو	۲۰۲/۴: المقاله السابعه فی أوجاع المفاصل و النقرس ...
ریح = بو	اشیا = دارو	قابضات طیب الریح: خوشبو	۲۴۳/۱: الفصل الأول کلام کلی فی العلاج
ریح = بو	اشیا = گیاه	ریح سداب	۳۲۵/۴: فصل فی طرد ابن عرس
ریح = بو	اشیا = گیاه	کمثرای خوشبو	۴۴/۴: فصل فی المعالجات و أولا فی معالجات الحمیات الحاده
ریح = بو	اشیا = گیاه	مشمش طیب الریح	۴۰۲/۴: فصل فی علاج فساد الرائحه للجلد عاماً
ریح = بو	اشیا = گیاه	میوه های خوشبو	۴۴/۴: فصل فی المعالجات و أولا فی معالجات الحمیات الحاده
ریح = بو	اشیا = منی	تشخیص سلامت منی از رایحه آن	۴۴۳/۳: فصل فی العقر و عسر الحبل
ریح = بو	اشیا = گیاه	بوی گیاه بیش	۲۹۹/۴: فصل من جمله السموم النباتیه البیش
ریح = بو	بدن	انجدان بوی بدن را تغییر می دهد.	۳۳۳/۱: أنجدان
ریح = بو	بدن	حس شدن بوی خلط متعفن در استخوان خیشوم	۴۱۷/۲: فصل فی سبب التثن فی الأنف
ریح = بو	بدن	حس شدن بوی عفن در بینی به سبب وجود خلط	۴۰۸/۲: فصل فی آفه الشم
ریح = بو	بدن	خلط متعفن در استخوان خیشوم که عفن و متثن الریح (دارای بوی بد) است.	۴۱۷/۲: فصل فی سبب التثن فی الأنف
ریح = بو	بدن	متثن الریح: بدبو	۲۶۶/۳: العلامات
ریح = بو	بدن = بیمار	حس شدن بوی صبر در بینی	۳۱۶/۴: فصل فی مراره النمر
ریح = بو	بدن = بیمار	شنیده شدن بوی مشک و سمن و ... از بینی بیمار نشانه نزدیکی موت است.	۱۲۶/۴: فصل فی علامات تؤخذ من جهة الأنف
ریح = بو	بدن = خلط	میل بلغم به حموضت در بو و طعمش	۷۱/۳: فصل فی تغزیر اللبن
ریح = بو	بدن = بیض الریح	بیض الریح (تخمک هایی که بارور نشده است تخمک جنس مؤنث). [براساس بافت عبارت و شواهد دیگر این تخمک رایحه ای دارد که با آن اسپرم مرد را جذب می کند. پس در مجموع به معنی تخمک دارای رایحه و بو است].	۴۸۱/۳: فصل فی الرقاء
ریح = بول	بدن	بول اصحاب تمدد و ریح غالب بر آب	۱۸۸/۱: الفصل الخامس الدلائل المأخوذه من الزبد
ریح = بول	بدن	رابطه زرق البول و وجود ریح خارجیه با بول	۱۸۸/۱: الفصل الخامس الدلائل المأخوذه من الزبد
ریح = بول	بدن	رسوب سحابی بهتر از راسب است مگر این که سبب طفوء رسوب، ریح کثیر باشد.	۱۸۸/۱: الفصل السادس دلائل أنواع الرسوب
ریح = بول	بدن	زبد بول از ریح منزرق در ماء پیدا می شود.	۱۸۸/۱: الفصل الخامس الدلائل المأخوذه من الزبد

ادامه جدول ۱. جملات مهم استخراج شده شامل اصطلاحات ریح و ریح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ریح = بول	بدن	سبب طفوء رسوب بول حرارت مصعده یا ریح است.	۱۸۸/۱: الفصل السادس دلائل أنواع الرسوب
ریح = بول	بدن	کثرت زبد نشانه لزوجت و ریح کثیر است.	۱۸۸/۱: الفصل الخامس الدلائل المأخوذة من الزبد
ریح = بول	بدن	کدورت رنگ بول نشانه ارضیت و ریح آمیخته به مائیت است.	۱۸۵/۱: الفصل الثالث قوام البول و صفاته و کدورته
ریح = بول	بدن	گاه سفیدی رنگ بول به سبب آمیختگی شدید ریح با آن است.	۱۸۸/۱: الفصل السادس دلائل أنواع الرسوب
ریح = هوا	بدن	از عوامل عسر نفس احتباس هوای استنشاق شده به سبب وجود سده است.	۴۸۶/۲: فصل فی النفس العسر
ریح = هوا	بدن	نفوذ ریح از ثقبه بینی	۴۰۷/۲: فصل فی تشریح الأنف
ریح = هوا	حقنه	بازگشت ریح درون آلت حقنه	۳۱۰/۳: فصل فی صفة المسهلات لمن به قولنج بارد
ریح = هوا	حقنه	تعبیه مجرای خروج هوا در ابزار حقنه برای این است که وقتی آلت حقنه را می فشارند تا داروی حقنه به امعا وارد شود، ریح همراهان به امعا نرود، بلکه بازگردد و از مجرای مذکور خارج شود. منظور از ریح در اینجا هوای داخل آلت حقنه است.	۳۱۰/۳: فصل فی صفة المسهلات لمن به قولنج بارد
ریح = هوا	حقنه	ریح درون آلت حقنه اگر به امعا وارد شود، داروی حقنه را به بیرون بازمی گرداند و شخص را نیازمند تخلیه براز می کند.	۳۱۰/۳: فصل فی صفة المسهلات لمن به قولنج بارد
ریح = هوا	حقنه	منفذی در انتهای آلت حقنه برای خروج ریح	۳۱۰/۳: فصل فی صفة المسهلات لمن به قولنج بارد
ریحی	بدن	پیدایش صداع ریحی و طنین به سبب مشارکت معده با دماغ	۹۴/۳: فی علامات سوء المزاج البارد
ریحی	بدن	استفاده از تکمید آب در وجع مثانه و بادکش ناری در تسکین وجع ریحی	۲۸۳/۱: الفصل الثلاثون فی تسکین الأوجاع
ریحی	بدن	استفاده از حقنه های محلل و مستفرغ ریح در قولنج ریحی	۳۰۶/۳: فصل فی قانون علاج القولنج
ریحی	بدن	استفاده از حقنه های مستفرغه در قولنج ثقلی ریحیه صرف	۳۰۶/۳: فصل فی قانون علاج القولنج
ریحی	بدن	درد ناشی از ایلاوس ریحی اغلب به سبب وقوع سده ریحی است تا تمزیک طبقات توسط ریح	۳۲۳/۳: فصل فی إیلاوس
ریحی	بدن	امتلاهی ریحی از اسباب تفرق اتصال است.	۱۴۵/۱: الفصل السادس عشر أسباب تفرق الاتصال
ریحی	بدن	در صداع ریحی ثقل نیست.	۲۳۱/۲: فصل كلام کلی فی العلامات الداله على أصناف الصداع
ریحی	بدن	در علاج اورام، توجه به ماده ای که بخار ریحی از آن حادث شده لازم است.	۲۷۷/۱: الفصل الخامس و العشرون فی معالجات الأورام
ریحی	بدن	در قولنج ریحی ثقل شدید احساس نمی شود.	۳۰۴/۳: فصل فی علامات الریحی
ریحی	بدن	معالجه رمده ریحی	۳۴۲/۲: فصل فی العلاج المشترك فی أصناف الرمد و انصباب النوازل إلى العين
ریحی	بدن	مغص ریحی	۲۹۶/۳: فصل فی المغص
ریحی	بدن	نافع بودن برای قولنج ریحی از افعال برخی از ادویه هاست.	۳۱۳/۱: الجملة الثانية قسمها إلى عدة ألواح و إلى بیان قاعده فی بیان الأدویه المفردة
ریحیه	بدن	بثور ریحیه	۱۰۸/۱: الفصل الخامس الأمراض المركبه

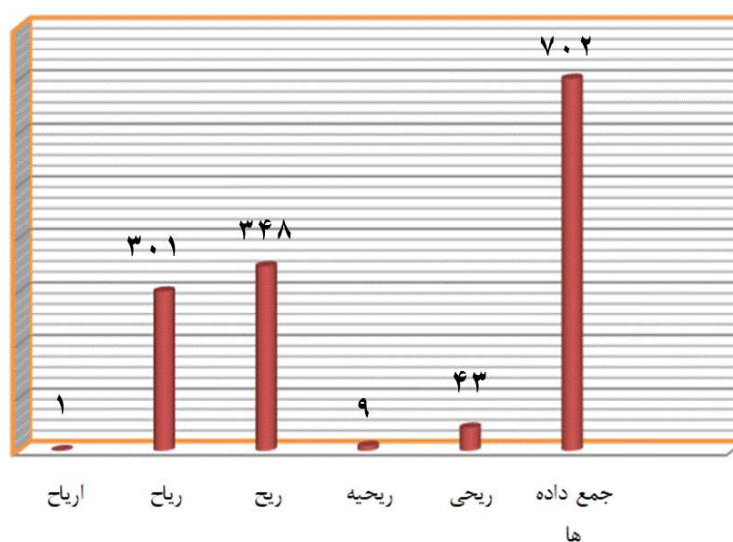
در خدمت طبیعت فرد باشد که به آن ریح طبیعی گفته می‌شود و هم می‌تواند همسو با طبیعت عمل نکند که آن را ریح غیرطبیعی می‌نامند. او بیماری‌هایی را که ناشی از ریح غیرطبیعی است برمی‌شمارد و مواردی را که ریح در خدمت طبیعت بدن باشد نیز نام می‌برد.

ابن سینا اصطلاح ریح و مشتقات آن را، ۷۰۲ بار در کتاب قانون به کار برده است. جدول‌های ۲ و ۳ و نمودارهای ۱ و ۲ تعداد و نحوه کاربرد این کلمات را از حیث اختلاف واژگان و موضع وقوع آنها مشخص می‌کند.

از بررسی آنچه ابن سینا در کتاب قانون آورده، روشن می‌شود که ریح نزد ابن سینا ماده‌ای است که در اثر تأثیر حرارت قلیل بر رطوبت رقیق به وجود آمده است (۱۴). این مفهوم یک نیروی محرکه درونی دارد که سبب می‌شود حتی در زمانی که در جایی حبس می‌گردد از حرکت باز نایستد و تمایل به خروج و جنبش را در خود حفظ کند. این ویژگی، هم می‌تواند در عضو مورد نظر بیماری ایجاد کند و هم می‌تواند ابزاری برای حفظ سلامتی باشد. از آنچه از سیاق عبارات شیخ در قانون برمی‌آید روشن است که از نظر او، ریح هم می‌تواند

جدول ۲. کاربرد واژگان مختلف در کتاب قانون

واژه	تعداد
اریاح	۱
ریاح	۳۰۱
ریح	۳۴۸
ریحیه	۹
ریحی	۴۳
جمع داده ها	۷۰۲

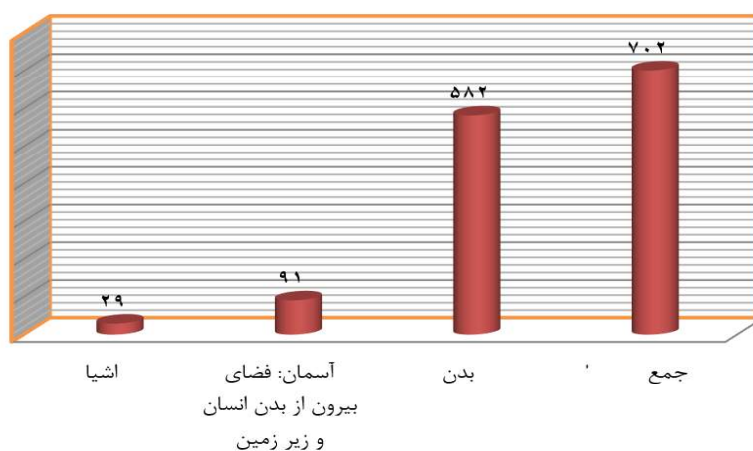


نمودار ۱. فراوانی اصطلاح ریح و مشتقات آن در کتاب قانون

جدول ۳. کاربرد اصطلاح براساس موضع وقوع در کتاب قانون

موضع وقوع	تعداد
اشیا	۲۹
آسمان (فضای بیرون از بدن انسان و زیر زمین)	۹۱
بدن	۵۸۲
جمع	۷۰۲

جایگاه ریح قانون



نمودار ۲. فراوانی جایگاه قرارگرفتن اصطلاح ریح و مشتقات آن در کتاب قانون

انواع بادهای بیرون از بدن

ابن سینا کتاب قانون را به موضوعات طبی اختصاص داده و پرداختن به توصیف برخی مفاهیم را به کتاب‌های تخصصی دیگر واگذار کرده است. باد در کتاب قانون جزو همین گروه قرار می‌گیرد. بر همین مبنا ابن سینا بیشتر به وجوه کارکردی و بیماری‌زایی باد در این کتاب اشاره کرده است. او به جز هشت جهت اصلی در مورد بادهایی که در بیرون از بدن می‌وزند اشاره‌ای به ماهیت باد و نحوه شکل‌گیری آن نکرده است. البته در میان متن به برخی نکات و ابهامات نیز اشاره کرده، مانند این‌که به عقیده دانشمندان قدیم هرچند منشأ مواد بادهای پایین است، لیکن همه بادهای تند، از بالا شروع به وزیدن می‌کنند. این نظر اگر عمومی نباشد، نظر اکثریت آنهاست و داوری در این موضوع با علم طبیعیات است.

ابن سینا در فصل دهم کتاب قانون با نام «القول فی موجبات الريح» به بادهای خارج بدن و عوارض ناشی از آنها پرداخته است. او مسیر وزش بادهای را در چهار جهت اصلی قرار داده و از تأثیرات و خواص آنها بر بدن به ترتیب زیر سخن گفته است:

• **باد شمالی:** تن را نیرو می‌بخشد، مانع جریان‌یافتن مایعات در سطح بدن می‌شود، منافذ پوست را مسدود می‌کند، هضم را تقویت می‌کند، شکم را بند می‌آورد، بول را راه می‌اندازد و هوای وبایی را اصلاح می‌کند. اگر باد شمال بعد از وزش باد جنوب وزیدن گیرد، موادی را که باد جنوب موجب سیلان آنها شده به سوی درون می‌فشارد و گاه نیز موجب انتقال آنها از جایی به جای دیگر می‌شود. به همین سبب است که با وزش باد شمالی پس

از باد جنوبی، غالباً مواد از سر سرازیر شده، بیماری‌های سینه پیدا می‌شود و اعصاب آزار می‌بیند و از آسیب آنها مthane و زهدان بیمار می‌شوند و دشواری دفع ادرار، سرفه، درد دنده، پهلودرد، سینه‌درد و لرزه بروز می‌کند.

• **باد جنوبی:** نیروهای بدنی بر اثر وزش بادهای جنوب سست می‌شوند، منافذ پوست گشاده می‌گردند، خلط‌ها برانگیخته می‌شوند و بیرون می‌آیند و حواس سنگین می‌شوند. باد جنوب زخم‌ها را بدتر می‌کند و بیماری‌ها را وخامت می‌بخشد، تن را لاغر می‌کند، قرچه‌ها و فقرس را به خارش سوزناک مبتلا می‌سازد، سردرد به بار می‌آورد، خواب‌آور است و تب‌های عفونی را به همراه می‌آورد.

• **باد شرقی:** باد شرقی اگر در پایان شب و آغاز بامداد وزیدن گیرد، لطیف‌تر و خشک‌تر از بادی است که بر اثر حرارت خورشید اعتدال یافته، لطیف گشته و رطوبت آن کاهش یافته است. اگر این باد در پایان روز و آغاز شب بوزد حالت آن برعکس است. به‌طور کلی باد شرقی از باد غربی بهتر است.

• **باد غربی:** اگر این باد در پایان شب و آغاز روز بوزد، چون حرارت خورشید بر آن اثر نگذاشته، متراکم و غلیظ است. اگر این باد در پایان روز و آغاز شب بوزد، کیفیت آن برعکس مورد بالایی است (۱۴).

ابن‌سینا با تکیه بر این مبانی و توجه به آثار بادهای دربارۀ بیماری‌های مختلف استنتاجاتی ارائه می‌کند؛ برای مثال، هوای مناطق شمالی و باد شمالی را، که موجب تحلیل‌نرفتن و راکد ماندن مواد در بدن می‌شوند، و نیز باد جنوبی و مناطق جنوبی را، که اخلاط را رقیق می‌کنند و به حرکت درمی‌آورند و مغز را پر از خلط می‌کنند، برای بیماران صرعی مناسب نمی‌داند.

البته، این موضوع که جهت وزش بادهای چه اثری بر کیفیت و خواص آنها بر بدن دارد نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است که در این مقال نمی‌گنجد، اما به‌اجمال باید گفت که در دنیای باستان هر جهت، ویژگی‌های ارزشی خاصی دارد و می‌تواند

کیفیت‌های متفاوتی ایجاد کند که ماهیت آن با مفاهیم فرهنگی و اساطیری هر قوم پیوندی تنگاتنگ دارد.

ابن‌سینا در گام بعدی با ترکیب چهار جهت اصلی وزش باد با فصل‌هایی از سال که این بادهای در آنها می‌وزند، نوسانات بیماری‌ها را در دوره‌های مختلف تحلیل می‌کند و برای بادهای مختلف در فصول مختلف احکام ویژه‌ای قائل می‌شود؛ برای نمونه، او در درمان سردرد ریخی خارجی به پزشکان چنین توصیه کرده است:

• توجه کنید که آیا باد از نوع حارّ صیفی (گرم تابستانی) است یا بارد شتوی (سرد زمستانی) و از چه منفذی به داخل سر راه یافته است؟

• اگر باد گرم تابستانی است و از راه گوش وارد شده، روغن نیم‌گرم بابونه یا روغن خیری یا روغن شبت که با کمی روغن گُل مخلوط شده در گوش بچکانند و اگر از راه بینی وارد شده، همان روغن‌ها را در بینی بچکانند و نطولات تحلیل‌برنده مناسب استعمال کنند.

• اگر باد سرد زمستانی است و از راه گوش یا بینی وارد شده، در همان روغن‌ها که در گوش یا بینی می‌چکانند باید جندبیدستر را با مشک بیامیزند و به همان طریق معالجه کنند.

ابن‌سینا با توجه به این کیفیت‌های ترکیبی به تحلیل بیماری‌های اپیدمیک نیز می‌پردازد. او عملاً یکی از عوامل اصلی شیوع این نوع بیماری‌ها را باد و هوا می‌داند. برای نمونه، او در تبیین اپیدمیک بیماری نزله نوشته است: «نزله‌ها و بیماری‌های نزله‌ای در حین وزیدن باد شمالی زیادند، به‌ویژه اگر بعد از باد جنوبی بوزد. در زمستان هم بیماری‌های نزله‌ای زیاد است، به‌ویژه اگر تابستان شمالی و کم‌باران و پاییز جنوبی و پربارش باشد. در سرزمین‌های جنوبی نزله بسیار و امتلاء سر زیاد است» (۱۴).

او در اسباب پیدایش هوای وبایی نیز همین مسیر را طی می‌کند: «اگر در ماه‌های کانون (آذر و دی) باد جنوب و باد شرقی بوزد و چندین روز ادامه یابد، نشان از نزدیک‌شدن وبا دارد» (۱۴، ۱۵).

به نظر می‌رسد با ترکیب جهت وزش باده‌ها، فصل‌ها، ویژگی‌های اقلیم مختلف، حضور کوه‌ها و دریاها و جنگل‌ها در بلاد متفاوت و مانند آن می‌توان به تحلیل‌های بهتر و مؤثرتری در باب بیماری‌های مردمان یک سرزمین و نحوه درمان آنها رسید که ابن‌سینا به تفصیل به آنها پرداخته است، اما براساس نظرات او امکان چنین تحقیقی وجود دارد. مقایسه جایگاه باد در اندیشه ابن‌سینا با دیگر پزشکان مطرح تمدن اسلامی مانند رازی، ربّن طبری و قسطنطین ابن‌لوقا نیز می‌تواند به سیر تحول این اندیشه در تمدن اسلامی کمک قابل تأملی کند (۱۶-۱۸)

بحث و نتیجه‌گیری

ریح نزد ابن‌سینا ماده‌ای ناشی از تأثیر حرارت قلیل بر رطوبت رقیق است. این اصطلاح یک نیروی محرکه درونی دارد. این نیرو موجب می‌شود حتی در زمانی که ریح در فضایی حبس می‌شود از حرکت بازنايستند و تمایل به خروج و جنبش را در خود حفظ کند. در یک نگاه کلی‌تر می‌توان دریافت که در اندیشه ابن‌سینا دو نوع کلی ریح از یکدیگر متمایز شده است: باده‌ها در داخل بدن و بادهایی که در بیرون از بدن می‌وزند.

این ویژگی نیروی درونی باد هم می‌تواند در عضو موردنظر ایجاد بیماری کند و هم می‌تواند ابزاری برای حفظ سلامتی باشد. او برای نشان‌دادن واضح‌تر عملکرد ریح، حرکت آن را در بدن با دقت در مسیرهایی تعیین می‌کند و در کنار آن ویژگی‌های متمایزی را برای کیفیت بروز ریح برمی‌شمارد.

مسیرهای حرکت ریح در بدن برحسب دیدگاه ابن‌سینا در قانون

ابن‌سینا در کتاب قانون، مسیرهای حرکت ریح در بدن را مطرح می‌نماید. او برای تبیین یکپارچه عملکرد ریح در بدن، افزون بر روشن کردن مراکز مولد ریح، به مسیرهایی که ریح در آنها حرکت می‌کند نیز اشاره می‌کند^۲ (۱۴). او ده مسیر را به ترتیب زیر ذکر می‌کند:

- در تجاويف اعضا
- درون اندام‌ها

- در طبقات اعضا
- در لیف‌های اندام‌ها (مانند قولنج ریحی)
- در لایه‌های ماهیچه
- در زیر غشا و روی استخوان و عضله اطراف آن
- بین گوشت و زیر پوست
- در خود عضو
- در عروق بدن
- در عروق اعضا (ابن‌سینا دو مورد عروق اصلی و عروق اعضا را در بخش دیگری به مسیرهای ریح اضافه می‌کند)^۳ (۱۴).

ریح در مسیرهای مورد اشاره ابن‌سینا امکان حرکت دارد، اما نحوه عملکرد آن در این اعضا وابسته به چهار عامل و شرط زیر است: ۱. کمی و بیشی ماده؛ ۲. غلظت و رقت ماده؛ ۳. استواری و سختی عضو؛ ۴. تخلخل و نرمی عضو. شیخ‌الرئیس معتقد است که ریح در اعضای بسیار نرم (مانند دماغ) یا بسیار سخت (مانند استخوان) محتقن نمی‌شود، بلکه در اعضای میانه در صلابت و لینت محتقن می‌شود (۱۴). در ضمن او معتقد است که ریح با جوهر عضو درمی‌آمیزد (۱۴).

اما ریح همان‌طور، که پیش از این به آن اشاره شد، در تمام موارد موجب بیماری نیست، بلکه ابزاری جهت یاری سلامتی نیز محسوب می‌شود. عمده کار ریح را ابن‌سینا معین‌بودن بر دفع می‌داند (۱۴). باید در نظر داشت که این موضوع تعریف ویژه‌ای دارد. برخی از متفکران پیش از ابن‌سینا همانند علی‌بن‌ربّن طبری برای ریح کارکردهایی نظیر عامل حرکت خون در بدن قائل شده‌اند.

بیماری‌های ناشی از ریح در کتاب قانون

از منظر ابن‌سینا، ریح هم می‌تواند در خدمت طبیعت فرد باشد که به آن ریح طبیعی گفته می‌شود و هم می‌تواند همسو با طبیعت عمل نکند که آن را ریح غیرطبیعی می‌نامند. با این توضیحات می‌توان دریافت که لازم است اصطلاح ریح و مکانیسم‌های بیماری‌زایی آن در کتاب قانون بررسی و تنظیم شود. در جدول ۴، فهرستی از بیماری‌های ناشی از ریح که از کتاب قانون استخراج شده، آمده است.

جدول ۴. نام بیماری‌های مرتبط با ریح

نام بیماری	نام بیماری	نام بیماری
۱ احتباس ریح در استخوان	۵۲ ریح بواسیر	نام بیماری
۲ احتباس ریح در بخش تحتانی کبد	۵۳ ریح خبیثه	نام بیماری
۳ احتقان ریح در منخرین که سبب صداع می‌شود.	۵۴ ریح رحم	نام بیماری
۴ اختلاج	۵۵ ریح صبیان	نام بیماری
۵ اختلال در بویایی (آفه الشم)	۵۶ ریح معده	نام بیماری
۶ اختلال در هضم به سبب ریح محتسب در بطن	۵۷ ریح مفاصل	نام بیماری
۷ استسقای زقی (آب در این بیماری بیشتر از ریح است)	۵۸ ریح السبل	نام بیماری
۸ استسقای طبلی	۵۹ ریح الشوکه	نام بیماری
۹ استطلاق بطن (اسهال)	۶۰ ریح خصیه	نام بیماری
۱۰ استعداد ابتلا به سل	۶۱ ریح در فم معده	نام بیماری
۱۱ اسهال غیر تام	۶۲ ریح کلیه	نام بیماری
۱۲ اشتباک ناشی از ریح	۶۳ ریح گوش که سبب صداع می‌شود.	نام بیماری
۱۳ اشتغال ریح بارد و غلیظ بر عصب	۶۴ ریح مثانه	نام بیماری
۱۴ اعیاء بعد از ریاضت	۶۵ زحیر (عمید: اسهال خونی)	نام بیماری
۱۵ انتفاخ ریچی مراق	۶۶ سده طحال (ریاح طحال)	نام بیماری
۱۶ انتفاخ ورم بارد با حکه	۶۷ سده کبد	نام بیماری
۱۷ انورسما	۶۸ سده مشارکتی امعا و رحم و سره با مثانه	نام بیماری
۱۸ اوجاع اذن ناشی از تفرق اتصال	۶۹ سقط جنین	نام بیماری
۱۹ اوجاع رحم	۷۰ سوء النفس (تنفس)	نام بیماری
۲۰ اوجاع سبعة	۷۱ شقیقه ریچی	نام بیماری
۲۱ اوجاع مثانه ناشی از ریح مثانه یا ناشی از حضور در بلاد شمالی و ریح شمالی	۷۲ شکستگی استخوان	نام بیماری
۲۲ اوجاع مفاصل	۷۳ صداع	نام بیماری
۲۳ اوجاع مده	۷۴ صرع	نام بیماری
۲۴ اورام بطن	۷۵ عسر بول	نام بیماری
۲۵ اورام ریحه	۷۶ عقر و عسر الحبل	نام بیماری
۲۶ اورام نفخیه	۷۷ فتق	نام بیماری
۲۷ ایلاوس ریچی	۷۸ فتق عروق دماغ	نام بیماری
۲۸ بثور ریحه	۷۹ فواق (سکسکه)	نام بیماری
۲۹ تشنج	۸۰ قراقر	نام بیماری
۳۰ تشنج ریچی	۸۱ قراقر معده	نام بیماری

ادامه جدول ۴. نام بیماری‌های مرتبط با ریح

نام بیماری	نام بیماری	
قولنج	تفرق اتصال جوهر دماغ	۸۲
قولنج التوائی (قولنج پیچشی)	تفرق اتصال حجب دماغ	۸۳
کثرت شهوت ناشی از منفخات که با برودت شدید همراه باشد.	تمدد اعضا	۸۴
کزاز	تمدد جرم قلب	۸۵
کم شدن بول و عرق در سوءالقنیه	حبس ریح در دماغ	۸۶
لوی	حده غیر تام	۸۷
مغص	حمای ریحی	۸۸
نفث الدم	خائق الذئب	۸۹
نفخ معده	خائق النمر	۹۰
نفخ و ریح کبد	خلع مثانه	۹۱
وجع اسنان (دندان درد)	دوالی بیضه همراه با اختلاج	۹۲
وجع انتین	دوی (وزوز، صوت در گوش)	۹۳
وجع ثاقب	ذات الجنب	۹۴
وجع خاصره	ربو	۹۵
وجع ضاغط	رض (کوفتگی) استخوان	۹۶
وجع عانه	رمد ریحی	۹۷
وجع قضیب	ریاح ارحام	۹۸
وجع معده	ریاح افرسه	۹۹
وجع معوی	ریاح افرسه در صبیان	۱۰۰
وجع مکسر (حبس ریح میان استخوان و غشا موجب وجع مکسر می شود)	ریاح امعا	۱۰۱
ورم ریحی (تهیج ریح به همراه بخار)	ریاح بطن	۱۰۲

می شود موردنظر بوده است. بر همین مبنا او ده مسیر حرکت باد در بدن را نام می برد و ۱۰۲ بیماری ای را که باد می تواند منشأ آن باشد، ذکر می کند.

تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی برای گزارش وجود ندارد.

پی نوشت ها

با توجه به این که مجموعاً ۷۰۲ بار اصطلاح ریح در کتاب قانون تکرار شده است، تمرکز این سینا با ۵۸۴ تکرار در مورد بادهای درون بدن در مقابل ۱۲۰ تکرار درباره بادهای خارج از بدن و باد به عنوان یک شیء نشان می دهد که در کتاب قانون تمرکز بیشتر بر روی بادهای داخل بدن بوده است و پرداختن به بادهای بیرونی غالباً یا به دلیل درک مکانیزم درونی آن صورت گرفته و یا تأثیراتی که موجب تحول سلامت در بدن

^۱ المبرود ... یدهن قبل دخوله الحمام بدهن الیاسمین و بدهن الخیری لتصل حراره الماء إلى باطن جسده و یغسله من الدنس ... و لا ینبغی له التعب بعد الخروج من الحمام و لا المشی فی الریح إذا كانت ریح الدبور فإنها تحرك الفالج و الخبث و «وجع الکبد إنما یكون من البرودة و المشی فی الریح الشدیدة».

^۲ الفصل السادس و العشرون، کیفیه ایلام الریاح: الریح تؤلم بالتمدید. و الریح الممدده، إما أن تكون فی تجاویف الأعضاء و بطونها کالنفخه فی المده، أو فی طبقات الأعضاء. و لیفها کما

فی القولنج الریحی أو فی طبقات العضل، أو تحت الأغشیه و فوق العظام أو حول العضل بینها و بین اللحم و الجلد، أو مستبطناً العضو کما یتبطن عضل الصدر و سرعه انفشاشه أو طول لبثه، و هو بحسب کثره مادته و قلتها و غلظ مادته و رقتها و استحصال للعضو تخلخله فحسب.

^۳ و أما الکائن عن لطف حس القلب، فإن صاحبه یعرض له الخفقان من أدنی ریح یتولد فی الفضاء الذی بینه و بین غلافه، أو فی جرم غلافه، أو فی عروقه.

References:

1. Ibn Faris A. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah*. Investigated by Harun AM. Beirut: Dar al-Fikr; 1979. Vol.2, P:454. [In Arabic].
2. Masih bin Hakam al-Dimasqi. *Al-Risalah al-Haruniyah*. Tehran: Research Institute for Islamic & Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences; 2009. Vol.1, P:121,127. [In Persian].
3. Kuriyama S. The expressiveness of the body and the divergence of Greek and Chinese Medicine. Tehran: Abasaleh; 2012. [In Persian].
4. Shahrzadi R. History of medicine in ancient Iran. International Congress of Medical History in Islam and Iran. Tehran: Publications of Iran Institute of Knowledge and Research; 1996. [In Persian].
5. Frazer JG. The golden bough: A study in comparative religion. Macmillan; 1890. Vol.2.
6. Verbeke G, Taran L. *Levolution de la doctrine du " pneuma," du stoicisme a S. Augustin*: Desclee de Brouwer; 1945. [In France].
7. Jacques Poulet. History of medicine: pharmacy, dentistry and veterinary medicine. Tehran: Iran Encyclopedia Foundation; 2013. [In Persian].
8. Latifi AH. Explaining the role, position and function of the lungs in health and disease in Traditional Iranian Medicine along with presenting clinical evidence [Dissertation]. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 2012. [In Persian].
9. Nazim Jahan MA. *Exir-i Azam* (The Great Elixir). Tehran: Research Institute for Islamic & Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences; 2008. Vol.1, P:97. [In Persian].
10. Arzānī MA. *Tibb-i Akbari*. Qom: Jalal al-Din Publications; 2008. Vol.1, P:19. [In Persian].
11. Ahmadi A. *Raz-e Darman* (The Secret of Treatment). Tehran: Iqbal; 2007. Vol.3, P:27. [In Persian].
12. Mazicioglu MM. Ibni Sina (Avicenna) the most known and greatest Turkish medical doctor in late ancient world. Archives of gynecology and obstetrics. 2015 Sep;292(3):473-4.
13. Zargaran A, Rahimi R. Response to: Avicenna, a Persian scientist. Archives of Gynecology and Obstetrics. 2015 Sep;292(3):475-6.
14. Avicenna. *Al-Qanun fi al-Tibb* (The Canon of Medicine). Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-Arabī; 2005. Vol.3, P:424;57. Vol.1, P:125;121,150,108,99. Vol.4, P:93; Vol.2, P:332. [In Arabic].
15. Ibn al-Nafis Al-Qarshi A. *Sharh Al-Qanun fi al-Tibb*. Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran's Parliament. Manuscript No. 6149; 1262. G. 343p and 344r. [In Arabic].
16. Abdoli M, Mahlooji K. Paradise of Wisdom: Indian Medical Concepts in a Persian Islamic Medical Text. Acta Medico-Historica Adriatica: AMHA. 2022;20(2):251-60.
17. Mahlooji K, Abdoli M, Tekiner H, Zargaran A. A new evidence on pulmonary circulation discovery: A text of Ibn Luqa (860–912 AD). European Heart Journal. 2021 July;42(26):2522–2523.
18. Ince F, Mahlooji K, Keskinbora KH, Zargaran A. Rhazes'(865–925 CE) contribution to surgery in Liber Almansoris. Acta Chirurgica Belgica. 2023 Mar 4;123(2):212-7.



An investigation of the use of the term *Rih* in Avicenna's Canon of Medicine

Kamran Mahlooji^a, Mehrdad Karimi^{a*}

^aDepartment of History of Medicine, School of Persian Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Wind and *Rih* have different meanings in different medical texts. Wind is both a pathogenic factor and one of the tools of body nature to create actions in the natural channels of the body. However, there has not been comprehensive evidence on the place and meaning of this word in the context of the works of Iranian medical doctors. Accordingly, the purpose of the current research is to investigate the application of the concept of wind and its derivatives in terms of frequency and how they are used in Avicenna's work Canon of Medicine (*Al-Qanun fi al-Tibb*).

Keywords: Wind, History of Medicine, Massage

Corresponding Author: mehrdadkarimi@yahoo.com